

بهناز شیرینی: شرایط حوزه سینما در چند ماه اخیر دستخوش اتفاقات پرحاشیه‌ای شد، بسیاری از اهالی سینما براین باورند بسیاری از مسائل در حوزه فرهنگ به-ویژه حوزه سینما نیاز به بازنگری دارد. دراین میان خانه سینما به‌عنوان نهادی که در بررسی مسائل و مشکلات سینما و اهالی آن پیشقدم است، در این مدت سعی کرده تغییراتی را در ساختار و رویکردش به اصفاف سینمایی اتخاذ کند، اما تعیین اولویت‌های خانه سینما در ماه‌های پیش‌رو بهانه گفت‌وگوی ما با منوچهر محمدی، تهیه‌کننده پیش‌کسوت سینما، که چندی قبل جایزه سینمایی آسیا و اقیانوسیه را به‌دلیل موفقیت‌های برجسته‌اش در فیلم و سینمای آسیا و اقیانوسیه، به خود اختصاص داد، شد که در ادامه می‌خوانید:

۴ در یک سال گذشته حوزه فرهنگ خصوصا سینما بحران‌های بسیاری را تجربه کرد و دراین میان نهادهای صنفی مثل خانه سینما بیشتر زیر ذره‌بین بودند، عملکرد خانه سینما طی یک سال گذشته را چطور ارزیابی می‌کنید؟
واقع‌ه تلخ تعطیلی خانه سینما از آغاز تصمیم اشتباهی بود و طبیعتا پس‌لرزه‌های بعد از تعطیلی خانه سینما موجب شد با بازگشایی خانه سینما دوستان این فرصت را پیدا کنند تا حدودی راجع به جایگاه خانه و موقعیت آن فکر کنند و با تشکیل جلسات کارشناسی به زوایای حقوقی خانه سینما بیشتر بپردازند. اینکه به هر صورت خانه سینما باید از جایگاه حقوقی محکم‌تری برخوردار باشد، چراکه به نظر می‌آید بخش‌هایی از قانون اساسی کشور در برخی موارد با مغفول است یا اجرا نمی‌شود، طبیعا یکی از آن موارد هم جایگاه نهادهای مدنی است که خانه سینما در این تعریف می‌گنجد. پیشنهادات زیادی درباره قانونمندشدن خانه سینما مطرح شد که یکی از این موارد ثبت قانونی صنف در وزارت کار بود. تا جایی که خبر دارم بخش قابل‌توجهی از صنف از این طریق اقدام کردند و ثبت قانونی شدند و برخی دیگر از صنف در حال پیگیری این موضوع هستند. اما واقعیت مطلب این است که سینما بر خلاف سایر صنف موجود زنده‌ای است، به این معنا که دائما در حال تغییر و تحول است و این تغییر و تحول به ذات سینما برمی‌گردد و آمیخته با مجموعه‌ای از بحران‌هاست؛ بحران‌هایی مثل بیکاری، تأمین معیشت، رقابت با رسانه‌های دیگر، مخاطب و... بنابر این توصیه من به مدیرانی که در رأس نهادهای دولتی مرتبط به سینما و نهادهای صنفی سینمایی قرار دارند، این است که باور کنند سینما آمیخته با بحران است. هر چند شاید بحران لغت صحیحی برای توضیح شرایطی که سینما به آن دچار است نباشد، اما حوزه سینما مثلا با کار یک کارخانه متفاوت است، در یک کارخانه وقتی یک خط تولید را تعریف می‌کنیم تا آمدن تکنولوژی جدید طبیعتا اتفاق تازه‌ای رخ نمی‌دهد، اما سینما هر فیلمش می‌تواند تبدیل به یک مسئله اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در ابعاد مختلف شود. بنابراین همیشه گرفتار مجموعه‌ای از چالش‌هاست و خوب است مدیریت این دو حوزه صنفی و دولتی با این رویکرد به سینما نگاه کنند و تصمیماتشان را با توجه به این شرایط اتخاذ کنند، چراکه اگر فکر کنند سینما یک جزیره ثبات، سکون و آرامشی است و مثلا با صدور چند آیین‌نامه یا بخش نامه، سینما تا پنج سال آینده مسیر ثابتی را پیش خواهد گرفت، اشتباه است.

بسیار فکری می‌کنید در سال پیش‌رو چه مواردی باید در اولویت کارهای خانه سینما قرار گیرد؟

چیزی که مشخص است و در این سال‌ها شاهدش بودیم این است که خانه سینما باید به برابند تولید، توزیع و نمایش توجه ویژه‌ای داشته باشد که این سه اصل درواقع، ذات صنعت سینما را تشکیل می‌دهد و البته یک بخش مسائل مربوط به صنفی است که اصطلاحا در خدمت کارفرمایان (تهیه‌کنندگان) هستند. این صنف کلیاتی دارند که باید به آن توجه شود. سینما از حوزه‌هایی است که به شکل جبری نیروی جوان به آن وارد می‌شود و وقتی نیروی جوان وارد می‌شود، طبیعا بخشی از نیروهای قدیمی‌تر ممکن است بازار کار قبل را نداشته باشند. در فضایی مثل فضای فرهنگی غرب خیلی راحت این موضوع پذیرفته می‌شود که مثلا وقتی فیلم‌برداری به آستانه ۶۰ یا ۷۰سالگی می‌رسد، طبیعی است تحمل کار طولانی مدت را ندارد و باید کارش را نیروی جوان‌تری بر عهده گیرد یا بازنگری که



محمود معتقدی

و من تعطیل امروز ای فرشته ناگهانی لطفاً پیغام بذارین...

شاید روزی، ساعتی، لحظه‌ای

خدا را چه بدی، شاید دوباره زنده شدم

و پیامت را نوش کردم!..

پیغام بذار فرشته جان

شاید بی‌فایده نبود!»

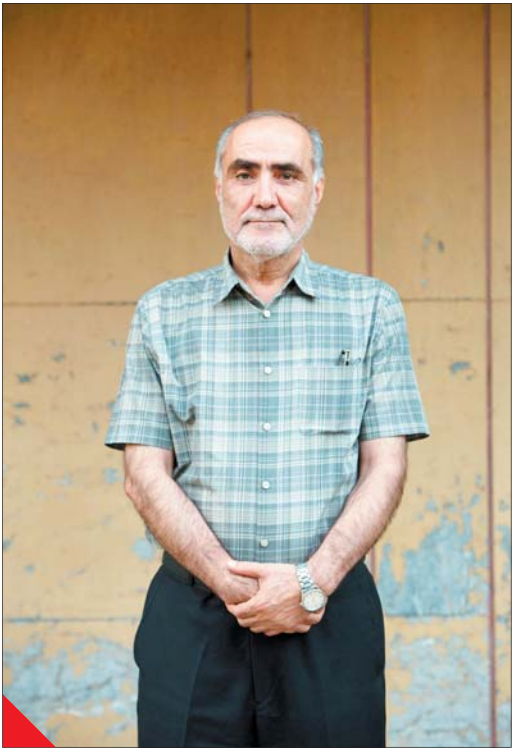
(فرازی از متن نمایش‌نامه پیغام بذارین)

۱. شکی نیست که دنیای سیال و لغزنده ادبیات نمایشی، به‌ویژه چشم‌انداز اجرای یک درام تئاتری خود فرصت دیگری، در جهت ارتقای هنر نمایش در اینجا و اکنون زمانه ما، چراکه در قلمرو هم‌نشینی زبان گفت‌وگوها از یک سو و پدیده تجربه بازنگری از سویی دیگر، خود می‌تواند دست‌مایه هنر نمایشی را همواره به مخاطبانش یادآور شود که سرچشمه‌های آگاهی بخشی از دل به دل مه‌دلول، خود فرصتی در بهره‌گیری از نشانه، در جهت آفرینش و دوباره‌دین واقعیت‌ها از منظر مناسبات و کارکردهایی که هنر نمایش می‌تواند حضور دامنه صحنه را به بازگوینی بینامتنی و بازاندیشی هستی‌شناسانه و زیبایی‌شناختی، به کار گیرد و چه بسا از این رهگذر است که عناصر و موتیف‌های ساختاری در زمینه ادراک و لذت هنری، به کنششی ساختمند پیام اساسی و نشانه‌شناسی آن را، بی‌واسطه به مخاطبان یک متن و اجرای آن یادآور می‌شود.

۲. و اما از بی‌اشناسانی که گفته آمد، می‌رسیم به چشم‌انداز نمایش «پیغام بذارین...» که از سمت یک تئاتر واقع‌گرا به صحنه می‌آید. سخن از چند زاویه می‌تواند مخاطب را به بست‌وهای یک هستی‌تپاه‌شده و به عبارتی به یک مجموعه از «گست» در حوزه زندگی انسانی، در اینجا و آنجای این روزگار بکشاند. مادری می‌میرد، اما از دل فضای مردگان برمی‌خیزد و با همسرش درآوردار از درون زندگی می‌گوید و مدام نگران دختر و کودکی‌هایش است که با چه سرنوشتی در آینده درگیر می‌شود. این گفت‌وگو به‌گونه‌ای نامداین از واقعیت صحنه شروع می‌شود و در فضاهای سمبولیک ادامه می‌یابد و این شروع، می‌رسد به زندگی و هنجار دختری که اینک در آن طرف آب‌های جهان، تنها، بار

گفت‌وگو با منوچهر محمدی:

وضعیت سینما بحرانی است



منوچهر محمدی

در دوره‌ای نقش جوان اول بازی می‌کرده و در یک میانگین سنی بالاتری تعداد نقش‌های کمتری به او پیشنهاد می‌شود و این طبیعی است. اما متأسفانه در جامعه ما خیلی راحت با این موضوع کنار نمی‌آیند و علت این موضوع نیز به برخی سازوکارهای اقتصادی سینما برمی‌گردد. اگر در فرایندهای تولید، سهمی برای این‌طور نیروها در نظر گرفته شود، وقتی به آستانه کم‌کاری یا بیکاری نزدیک می‌شوند، خیلی نگران کم‌کاری یا بی‌کارشدنشان نیستند. این موضوعی است که خانه سینما باید به آن فکر کرده و راهی برای آن پیدا کند. به نظر من بحث امنیت شغلی اگر جنبه دستوری داشته باشد با طبیعت خیلی خلی نیست. مثلا اگر خانه سینما در بخشنامه‌ای اعلام کند فقط با نیروهای عضو صنف کار کنید و از آن طرف صنف اجازه ورود نیروهای جوان را ندهند یا سخت‌گیرانه برخورد کنند، وارد تضادی می‌شویم که قابل حل نیست. اما نکته‌ای که برای من حائز اهمیت است و با مدیران خانه سینما چندین‌بار که طلب مشورت کردند در میان گذاشتم، این مورد است که خانه سینما باید جایگاه اجتماعی مستحکم‌تری پیدا کند. علتش هم به تفاوت خانه سینما با سایر اتحادیه‌هایی که در کشور وجود دارد، برمی‌گردد. خانه سینما از پتانسیل بیشتری برخوردار است. به این معنی که خانه سینما می‌تواند در بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه به دلیل نیروهای توانمندی که در آن وجود دارد نقش جدی‌تری ایفا کند. برای اینکه موضوع روشن‌تر شود مثال می‌زنم که در بحث محیط زیست به‌عنوان یک مسئله خیلی غیرسیاسی با بسیاری از مسائلی از این دست، خانه سینما می‌تواند نقش فعال‌تری بازی کند و این کمک می‌کند که سینما نسبت به مسائل پیرامون خودش ادای تکلیف دهد و هم از نیروهای کارآمدش بهره گیرد و به برخی مشکلاتی که دولت توان رسیدگی و حل آنها را ندارد سرسازد دهد. نیاز است خانه سینما به حوزه تولید، توزیع و نمایش وارد شود. به یک زبان روشن‌تر، این اراده نزد مدیران دولتی وجود دارد که بخشی از وظایفی که دولت تصدی‌گری می‌کند را به صنف واگذار کنند. در دولت‌های پیشین، یکی دو مرحله این اتفاق افتاد، ولی چیزی که برای مدیران دولتی نگرانی ایجاد می‌کند، خلاهای قانونی است که در خانه سینما

مروری بر اجرای نمایش «پیغام بذارین...» کاری از گروه تئاتر ده- یک انسان به رسم جهان تنهایی‌اش

هستی خود را بر دوش می‌کشد. گفتنی است که از آن پس، باز گفت‌وگوها از طریق موبایل یک‌طرفه بوده و این دختر جامانده از خود و دیگران، مدام به دوستان مرد خود زنگ می‌زند و از روزمرگی‌هایش سخن می‌گوید. از شوخی و جوک، پر و خالی می‌شود، اما در دلش غوغایی از حسرت و دورماندن از خود زندگی و دوست‌داشتن دیگران، جریان دارد. بی‌گمان بن‌مایه این هستی توانقی، همانا تقابل سنت و مدرنیته است که نسل مهاجر این سال‌ها را در برابر هم قرار داده و می‌دهد، چراکه دامنه ارتباطات با بهره‌گیری از تکنولوژی روز، تو گوئی دوستی و نفرت را در کنار هم به نمایش می‌گذارد. در این متن، اتفاقات بزرگ همانا داستان «شکست» و «گریز» است که انسان‌ها، پیوسته پوست عوض می‌کنند یا زیرپوستی به هنجار و روزگار دیگری وابسته می‌شوند که به‌گونه ناموزونی سعی دارد دست به شورش پنهان بزند و به شکلی به فرهنگ مسلط، پاسخ بدهد و این بار سنگین، بیش از هرکسی در منش و رفتار دخترک دیده می‌شود و صداپلته در لایه بیرونی با حرکت‌های خاصی خود را نشان می‌دهد و اما در لایه درونی، خود غوغایی نگفته از حسرت و تنهایی را بر دوش می‌کشد. در این فضای فراهم، چشم‌اندازی از هم‌خوانی درام و ترازدی در کنار هم این هستی لغزان را بازمی‌سازند، چراکه نوع ادبیات و دیالوگ‌پردازی، خود نشان از این‌فضاهای مذهب پر از سو-تفاهم و گریز از خود را، با خود دارد. ظاهرا

تنها در صحنه‌ای به گوش هم گرد آمده‌اند. برادر در وطن بر سر قبر مادر می‌نشیند و از گذشته‌ها می‌گوید و از منظر دیگری با خواهرش (دختر) در آن سوی مرزا به گفت‌وگو می‌نشیند و دراین‌میان تداخل صداهای دیگری هم فضای گفت‌وگو را عوض می‌کند که خود می‌تواند عوارض شرایط زندگی در اینجا و اکنون را تداعی کند. شاید بتوان گفت که یک‌طرفه‌بودن تلفن‌ها، خود نشانه غایب‌بودن و مغلوب‌بودن دیگرانی را هم با خود دارد، عشق و دوستی مدام در همین گفت‌وگوها، گهرنگ و کمرنگ‌تر می‌شود و گاه میل خودکشی و مرگ‌اندیشی برآمده از فشار تنهایی هم از زبان دختر شنیده می‌شود. دلواپسی و رنج مهاجرت و تحمیل فرهنگ دنیای مقصد،

هنر

وجود دارد. این تمایل از سمت دولت هست که بخشی از وظایفش را به جایی مثل خانه سیما واگذار کند اما از طرف دیگر احساس می‌کند سازوکارهای حقوقی موجود ناقص است و اگر به نقطه‌ای برسد که پرسشی از طرف نهادهای قانونی مطرح شود، طبیعتا چون مسئولیت به صورت قانونی واگذار نشده مشخص نیست چه کسی متصدی این کار است. با تشکیل نظام سازمان هنری بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد، در این صورت دولت با خیال آسوده می‌تواند برخی از مسئولیت‌ها را بر عهده خانه سینما بگذارد و برخی وظایف به دوش اصناف گذاشته می‌شود.

۴ برخی از اتفاقات سال گذشته در حوزه سینما کله‌مندی‌هایی را برای اهالی سینما ایجاد کرد و در بسیاری از مواقع مثل به‌وجود آمدن مشکلاتی برای فیلم، اهالی سینما انتظار بیشتری از خانه سینما به‌عنوان یک نهاد صنفی داشتند، با توجه به مسائل حقوقی‌ای که درباره خانه سینما مطرح شد، تا چه اندازه توان یا اجازه ورود به برخی مسائل را دارید؟

وقتی وظایف روشن نیست طبعا تداخل به وجود می‌آید. به نظر ام اشکالی ندارد یک فیلم توقیف شود، به این معنا که حتما نباید هر چیزی تولید می‌کنیم به نمایش عمومی گذاشته شود. اما از جایی کار غلط است که برخورد سلیقه‌ای مدیران دولتی باعث توقیف فیلمی شود، اما اگر برخورد قانونمند باشد جای گله و شکایتی نیست. زمانی من فیلم‌ساز تصمیم می‌گیرم یا را فراتر از قوانین مربوطه بگذارم و مثلا فیلمی بسازم که در آن قومیت‌های ایرانی به تمسخر گرفته می‌شوند، طبیعی است جلوی این فیلم گرفته شود. نکته برمی‌گردد به اینکه اگر نظام هنری مشخصی داشته باشیم که تکالیف و وظایف مشخصی داشته باشد، این توقع می‌رود اگر فیلمی با مشکل مواجه می‌شود خانه سینما وارد شود. درحال حاضر خانه سینما با چه ابزار حقوقی وارد شود؟ در نتیجه می‌شود همین که الان هستیم یعنی خانه سینما سعی می‌کند با روابط کدخدانمشی، که لزوما ممکن است همیشه جواب ندهد مشکلات را حل کند. طبیعی است که الان نمی‌شود توقع بیشتری از خانه سینما داشت. اگر فیلم‌های ما سند مالکیت داشته باشد و بنابر قوانین، نه برخورد‌های سلیقه‌ای، فیلمی نمایش نداشته باشد و اگر بر حسب یک خیلی راحت با این موضوع کنار نمی‌آیند و علت این موضوع نیز به برخی سازوکارهای اقتصادی سینما برمی‌گردد. اگر در فرایندهای تولید، سهمی برای این‌طور نیروها در نظر گرفته شود، وقتی به آستانه کم‌کاری یا بیکاری نزدیک می‌شوند، خیلی نگران کم‌کاری یا بی‌کارشدنشان نیستند. این موضوعی است که خانه سینما باید به آن فکر کرده و راهی برای آن پیدا کند. به نظر من بحث امنیت شغلی اگر جنبه دستوری داشته باشد با طبیعت سینما خیلی خوب نیست. مثلا اگر خانه سینما در بخشنامه‌ای اعلام کند فقط با نیروهای عضو صنف کار کنید و از آن طرف صنف اجازه ورود نیروهای جوان را ندهند یا سخت‌گیرانه برخورد کنند، وارد تضادی می‌شویم که قابل حل نیست. اما نکته‌ای که برای من حائز اهمیت است و با مدیران خانه سینما چندین‌بار که طلب مشورت کردند در میان گذاشتم، این مورد است که خانه سینما باید جایگاه اجتماعی مستحکم‌تری پیدا کند. علتش هم به تفاوت خانه سینما با سایر اتحادیه‌هایی که در کشور وجود دارد، برمی‌گردد. خانه سینما از پتانسیل بیشتری برخوردار است. به این معنی که خانه سینما می‌تواند در بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه به دلیل نیروهای توانمندی که در آن وجود دارد نقش جدی‌تری ایفا کند. برای اینکه موضوع روشن‌تر شود مثال می‌زنم که در بحث محیط زیست به‌عنوان یک مسئله خیلی غیرسیاسی با بسیاری از مسائلی از این دست، خانه سینما می‌تواند نقش فعال‌تری بازی کند و این کمک می‌کند که سینما نسبت به مسائل پیرامون خودش ادای تکلیف دهد و هم از نیروهای کارآمدش بهره گیرد و به برخی مشکلاتی که دولت توان رسیدگی و حل آنها را ندارد سرسازد دهد. نیاز است خانه سینما به حوزه تولید، توزیع و نمایش وارد شود. به یک زبان روشن‌تر، این اراده نزد مدیران دولتی وجود دارد که بخشی از وظایفی که دولت تصدی‌گری می‌کند را به صنف واگذار کنند. در دولت‌های پیشین، یکی دو مرحله این اتفاق افتاد، ولی چیزی که برای مدیران دولتی نگرانی ایجاد می‌کند، خلاهای قانونی است که در خانه سینما

مروری بر اجرای نمایش «پیغام بذارین...» کاری از گروه تئاتر ده- یک انسان به رسم جهان تنهایی‌اش

و نگفته‌هاست. در نمایش «پیغام بذارین...» کسی خود را لو نمی‌دهد و مدام درصدد این است که ثابت کند بی‌تقصیر است و می‌خواهد کسی را هم دوست داشته و غم دیگران را بخورد، اما چنین سازوکاری در اختیار ندارد. زیرا ذهن و زبانش از کارکرد دیگری تبعیت می‌کند. در این جایگاه باید گفت در «پیغام بذارین...» اتفاق بزرگ دیگر، آمیختگی دامنه سرنوشت به سمت سرگذشت انسانی است که کسی نمی‌داند هرکدام چه منظری برای رفتار و شناخت انسان با خود دارد. صداپلته مقوله روان‌شناختی و جست‌وجو در گذشته آدم‌ها، در یک متن نمایشی، می‌تواند به شناخت دیگر زمینه‌ها کمک فراوانی کند، چراکه منظر شناخت و معرفت‌شناسی که این حوزه، خود به تحلیل رفتار و اندیشه‌ها و جهان‌بینی تپ و شخصیت‌های نمایشی، ابعاد تازه‌ای به نمایش می‌گذارد.

۳. گفتنی است که از گذشته‌های نه‌چندان‌دور، تئاتر در حوزه‌های دانشگاهی، همواره جایگاه نیمه حرفه‌ای و جهپاسا حرفه‌ای درخشانی را به‌همراه داشت که یکی از این گروه‌های نمایشی «گروه تئاتر ده-یک» است که در کارنامه کاری‌اش تاکنون نزدیک به ۱۰ اثر نمایشی را به صحنه آورده و بسیاری از عوامل آن لزوما درس تئاتر نخوانده‌اند، بلکه از دریچه علاقه‌های شخصی و مطالعاتی به دنیای تئاتر راه یافته‌اند و امروز در تالارهای تجرئی و کوچک به کار تئاتر می‌پردازند. نویسندگی و کارگردانی بسیاری از نمایش‌نامه‌ها، از جمله همین نمایش «پیغام بذارین...» بر عهده سیدعلی معتمدی بوده و بازیگران آن: شقایق مسافر، نگار ملاکی، ساینار رضائزاد و محمدرضا محمودپور با صدای گرم استاد بهرام فراهانی خشن یک هستی تپاه‌شده را با خود دارند و زاویه جانی؛ از موسیقی، مدیر صحنه، منشی صحنه، روابط عمومی، بروشور/ تیزر، عکاس و فیلم‌بردار و دیگر همکاران در تهیه و آماده‌سازی این اجرای خوب نیز سهم فراوانی دارند. و نکته آخر؛ یادآوری این نکته که بازی درخشان ساینار رضائزاد در این اجرا دارای اجرا و حسن آمیزی درخشانی بوده است که در کنار دیگر بازیگران، توانسته نقش به‌هنگامی را بازی کند که احساس می‌شد آنچنان در نقش خودش غرق شده که برای مخاطبان یک پادمان خوبی را به‌همراه داشته است. دست همه‌شان روشن! و دیگر اینکه حرکت، میزانسن و شیوه بیان بازیگران با همه محدودیت جا و زمان اندک نمایش به‌خوبی ارائه شده است.

باغ‌موزه

موزه در ایران یک چالش است

سعدی بهاری، مردم‌شناس: کسانی که از نزدیک ایران را دیده‌اند، بر این باورند که ایران خود یک موزه بزرگ است و می‌تواند به‌روشنی دستاوردهای تمدنش را به نمایش بگذارد. طبیعی است در این شرایط صحت از موزه و موزه‌داری در چنین کشوری، کمی قابل تأمل باشد. قابل تأمل از آن‌رو که همپا با داشته‌های تمدن و فرهنگ، موزه‌هایی در حد و اندازه موزه‌های بزرگ جهان در ایران شکل نگرفته است. علاوه بر ۱۸ می‌هرسال که از سوی سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی موزه انتخاب شده در اسناد تاریخی ایران هم روزی با عنوانی مشابه در جهت یادآوری جایگاه موزه و رابطه آن با مردم وجود دارد. آشکارشدن اهمیت آثار باستانی در ایران موجب شد که در ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۰۹ برای حفظ آثار عتیقه نظام‌نامه‌ای تدوین شود که بر طبق آن جایگاه حفظ آثار عتیقه در کشور مشخص شد.

دراین‌میان تعریف میراث فرهنگی نیز یکی دیگر از اقدامات اساسی برای محوریت بحث موزه و موزه‌داری در ایران است. میراث فرهنگی به کلیه آثار مادی و معنوی گفته می‌شود که از گذشته‌های دور به دست ما رسیده و بعضی از این آثار، قدمتی به درازی عمر بشر دارند. به بیان دیگر میراث فرهنگی، هویت یک ملت در طول تاریخ پرفرازونشیب آن است. آثار بشری به دلیل قدمت و گاهی به دلیل منحصره‌فردبودن، دارای ارزش مادی زیادی هستند. همین امر سبب شده است که همیشه افراد سودجو در پی دستیابی به این آثار باشند؛ ازسویی دیگر آثار تاریخی از آن جهت که اطلاعات قیمتی‌ای از نحوه زندگی مردم ادوار گذشته و آداب و رسوم، اعتقادات و فرهنگ آنان در اختیار پژوهندگان قرار می‌دهند، دارای ارزش فرهنگی بسیاری هستند. ازاین‌رو ملل مختلف برای حفظ این آثار از استهلاک و دستبرد اهتمام نام دارند. یکی از راهکارهای حفظ میراث فرهنگی توجه به نهادینه‌کردن موزه‌داری در کشور و بالابردن ضربب بازدید و برقراری ارتباط مردم با آن است.

ازسوی‌دیگر آمارها نشان می‌دهد که ۳۳ موزه تهران روزانه کمتر از پنج‌صدم درصد از شهروندان را به سوی خود می‌کشاند و هریک از این‌موزه‌ها به طور متوسط روزانه پذیرای یک‌هزارم درصد از شهروندان تهرانی هستند. رقم واقعی به‌مراتب کمتر است؛ زیرا تعداد بازدیدکنندگان موزه‌های مورد مطالعه مجموعه‌ای است از شهروندان تهرانی، اهالی سایر نقاط ایران و گردشگران خارجی. براساس آمارهای ارائه‌شده از میان ۴۰ موزه مشهور جهان هفت موزه در لندن، سه موزه در پاریس و سه موزه در مادرید، سه موزه در واشنگتن، دو موزه در شکاگو، دو موزه در بارسلونا و دو موزه در مسکو واقع شده‌اند. طبق این آمار که برای نخستین‌بار در روزنامه «هنری آرت» به چاپ رسیده موزه «تیت‌مدرن» شهر لندن با داشتن پنج‌میلیون و ۲۰۰ هزار بازدیدکننده در سال گذشته میلادی برابزدیدکننده‌ترین موزه انگلیس محسوب می‌شود و بعد از آن موزه بریتانیا با چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار بازدیدکننده و گالری ملی انگلستان با چهارمیلیون و سه‌هزار بازدیدکننده در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مقایسه وضعیت اقتصادی موزه در ایران و جهان نشان‌دهنده ضعف اجتماعی و باورهای گاهی نادرست مردمی در به‌کارگیری پتانسیل‌های نهفته موزه است. موزه‌ها در ایران رقیابت می‌کنند و به‌ترین‌های آنهاست چون در آن توجه خاصی برای خودشان فضاهایی این‌چنینی ندارند. این در حالی است که کارشناسان معتقدند موزه می‌تواند با باورپذیرکردن ابعاد مختلف هویت جمعی و فردی، راه را برای ارتقای سطح دانش و بینش مردم بگشاید. دراین‌زمینه توجه به ساختار موزه‌ها، اصلاح فضاهای فیزیکی آن و ارتقای کیفیت بصری و سامان‌دادن به برنامه‌های آن می‌تواند راه را برای آشتی مردم با این انباری‌های خاک‌گرفته باز کند.

سخن‌نفر

درباره باغ‌موزه دفاع مقدس و اراضی عباس‌آباد تپه‌های عباس‌آباد و علاقه‌مندانش

تپه‌های عباس‌آباد که روزگاری به‌عنوان تنها تنفس‌گاه باقی‌مانده در این شهر پر از دود، خانه آرزوهای تهرانی‌ها بود، سال‌هاست که هم به فهرست دغدغه‌های مدیریت شهری اضافه شده و هم به نگرانی‌های مردم. دغدغه‌های شهرداری از زمانی شروع شد که طرح‌های پیش از انقلاب برای این بخش از شهر از بایگانی‌ها بیرون آمدند و شهرداری ماموریت یافت سازه‌های تازه‌ای را در این بخش ایجاد کند؛ فعالیت‌هایی که خیلی زود پسوند «فرهنگی» نیز به خود گرفتند تا تهرانی‌ها در این بخش از شهر منظر ساخت فرهنگ‌سرا و باغ کتاب و باغ هنر و... باشند، اما عباس‌آباد یکی از حساس‌ترین نقاط تهران نیز هست؛ ساختمان بانک سپه، ساخت‌وسازهای گسترده در شهر و بالارفتن قیمت زمین، این گوشه دست‌نخورده از تهران همواره مورد توجه کسانی بوده که قصد سوءاستفاده از چنین فضاهای بکری را داشته‌اند، اما پس از تصویب کلیات طرح قطب فرهنگی- گردشگری تهران در شورای‌عالی شهرسازی و سرازیرشدن میلیاردها تومان بودجه برای ساخت بناها و فضاهای فرهنگی، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی به این فکر افتادند که بخشی از این تکه سبز تهران را برای خود سند بزنند! بایگانی‌ها به‌سرعت مورد بررسی قرار گرفت و سازمان‌هایی که پیش از انقلاب مصوبه‌ای برای ساخت ساختمان اداری در اراضی عباس‌آباد داشتند، دست‌به‌کار شدند و میخ خود را در این بخش از شهر کوبیدند. ساختمان وزارت راه، ساختمان نه‌چندان خوش‌ترکیب شرکت راه‌آهن، ساختمان بانک سپه، ساختمان بانک مرکزی، باغ‌موزه دفاع مقدس و... تنها نمونه‌های کوچکی از ساخت‌وساز در فضایی است که روزی قرار بود تنها برای رونق فرهنگی تهران ساخت‌وساز شوند. آنها اما ساخته شده‌اند و نمی‌شود تخریبشان کرد.

خواندنی‌های جذاب باغ‌موزه دفاع مقدس

باغ‌موزه دفاع مقدس هفت تالار تودرتو است که ساختار هر یک با مضمونی از مضامین دفاع مقدس شکل گرفته است. دکتر حمید امجد، از استادان هنرهای تجسمی دانشگاه‌های کشور، در طراحی این هفت مضمون نقش اساسی داشته و به کمک تیم‌های تخصصی این مضامین به فضاهای معمارانه بدل شده‌اند. نخستین تالار، این باغ‌موزه، «آستانه» است که از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی در آن نمایش داده می‌شود. تالار بعدی «حقانیت ملی» است که در آن موضع دفاعی کشورمان در نخستین روزهای جنگ نمایش داده می‌شود. سومین تالار، تالار «دفاع» است که در آن ساختار دفاع مملکت شکل می‌گیرد. «آرامش» نام تالار بعدی است که شکل‌گیری ساختار اجتماعی در کشور و جنگ در مرزا را نشان می‌دهد و در نهایت در سالن بعدی می‌توان به مضمون «شهادت» در این باغ‌موزه رسید. این تالار بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تالار این باغ‌موزه دفاع مقدس است. تالار «پیروزی» ششمین تالار این موزه است و در نهایت در تالار «سرانجام» شاهد آینده کشور در قالب تالار سرانجام خواهیم بود. طراحان باغ‌موزه دفاع مقدس معتقدند در طراحی این پروژه از ایده هم‌زمانی استفاده کرده‌اند و با ترکیب مفاهیم به ساختارهای فضایی رسیده‌اند و بازدیدکننده می‌تواند در قالب یک مسیر گردشی از این هفت تالار بازدید کرده و علاوه بر دیدن اشیای موزه‌ای، حال‌وهوای دوران جنگ را از نزدیک احساس کند.



دیدن لباسی که شهید چمران در لحظه شهادت پوشیده بود

اطلاعات ساخت اولیه این موزه را دکتر نادر روزرخ که برنامه‌ریز معماری باغ‌موزه دفاع مقدس بوده، این چنین شرح می‌دهد: «این پروژه ۲۰۰هزار مترمربع بود که در یک قطعه صد‌هزارمتری آن باغ‌موزه و در قطعه دیگری دربراع دفاع مقدس ساخته شد». گفته او، این مجموعه جزه اولین پروژه‌هایی است که با معماری مفهومی ساخته شد. «در این باغ‌موزه، از مفاهیم دفاع مقدس برای طراحی فضاها ایده گرفته‌ایم».

به گفته وی، در مجموعه این هفت سالن، کلکسیون‌ای آثار قابل لمس و به‌جامانده از دوران جنگ به اشیای موزه‌ای بدل شده‌اند؛ مانند لباس دگن چمران در لحظه شهادت. به گفته برنامه‌ریز معماری این پروژه، بخشی از این اشیا به موزه اشیای ثابت این مکان منتقل شده‌اند و همیشه در معرض نمایش هستند، اما استان‌های دیگری نیز می‌توانند اشیای یادگاری‌های خود را از جنگ در این موزه و در بخش موزه ادواری آن به نمایش بگذارند. نادر روزرخ اضافه می‌کند: به اعتقاد من این‌س موزه با دیگر موزه‌های جنگ خارجی رقابت می‌کند و جزء بهترین‌های آنهاست چون در آن توجه خاصی به هنر مفهومی شده است. او قابلیت فنی ساختمان‌های باغ‌موزه دفاع مقدس را بسیار بالا توصیف می‌کند، به‌طوری‌که «بخش دیگری از باغ‌موزه، محوطه‌سازی است. باید توجه داشت که برای این کار بیش از همه‌چیز به طراحی یک نماد نیاز داشتیم. نماد دفاع در تمام تاریخ معماری کشور، دیوار است بنابراین محوطه‌سازی موزه با نمایشگاهی از تاریخ دیوارسازی در کشور همراه بود که این موضوع برای اولین‌بار در جهان اتفاق می‌افتد».